

پراکندگی نومادیک در رمان اورلاندو ویرجینیا وولف: خوانشی دلوزی

سید محمد مرندی (نویسنده مسئول)

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران ایران

زهره رامین

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران ایران

فاطمه سادات یحیی پور

دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران ایران

چکیده

مباحث پیرامون تغییر جنسیت معجزه‌آسای اورلاندو و دغدغه‌ی جنسیتی رمان وولف، عرصه‌ای رو به رشد است. اما از امری مهم در این مباحثه غفلت شده، این امر که اورلاندوی مرد چه میزان متفاوت از اورلاندوی زن است. مادامی که اورلاندو یک مرد است، او نگاهی سنتی و ثابت نسبت به مساله جنسیت دارد و کلیشه‌های جنسیتی را بازتولید می‌نماید. اما به محض این که زن می‌شود، نگاهش به جهان نگاهی نومادیک و پویا می‌شود. مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌ی تکوین زمان ژیل دلوز و مفاهیم سدنتری و نومادیک، قصد دارد نشان دهد چطور زمان و تغییر جنسیت به سوژه‌ای منکسر مرتبط است و چطور سوژه/هنرمند زن متولد می‌شود. تغییر جنسیت در اورلاندو یک رخداد عظیم است که موجب انکسار اورلاندو به پیش و پس می‌شود. اورلاندوی مرد قادر نیست از پس «کنشی» که بر عهده‌ی او گذاشته اند بر بیاید، کنش او ماورای روح زمانه رفتن و هنرمند شدن است که قادر به قبول نگاهی اندروژن و نومادیک است. از طریق «زن-شدن» اورلاندو نگاه سدنتری و ثابت به جهان را رها کرده و با قبول جهان‌بینی نومادیک در نهایت شعر خود «درخت بلوط» را به پایان می‌رساند. با تمام‌ورفسیس و سوژه‌ی منکسر، اورلاندو در نهایت قادر به «کنش» می‌شود.

واژگان کلیدی: سدنتری؛ نومادیک؛ مسخ؛ سوژه منکسر؛ زن-شدن.

روایت وسواس ذهنی: هویت‌های کنترل شده، احساسات سردرگم در رمان کودک *واژه‌ها* آیریس مرداک

نازیلا هریسچیان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
سید مجید علوی شوشتری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ناصر مطلب زاده

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

بحث نظری مقاله حاضر به طور عمده مبتنی بر بینش جورجیو آگامبن است که در رمان کودک *واژه‌ها* آیریس مرداک که در دوره انتقالی دهه هفتاد انگلستان نوشته شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و بینش‌های زیست سیاسی آگامبن را بر روی شخصیت فردی طرد شده در جامعه برای به چالش کشیدن افکار عموم به درک سویه تاریک حاکمیت به کار می‌گیرد. از نظر جورجیو آگامبن، مسئله برقراری زندگی مستقیماً با نحوه درک و آزمودن شکل زندگی مرتبط است. این مقاله با در نظر گرفتن بی‌ثباتی و مشروط بودن عاطفی، سیاسی و هستی‌شناختی مباحثی چون «عشق»، «هومو ساکر» و «حیات برهنه» که در رمان کودک *واژه‌ها* در شخصیت داستان قابل مشاهده است، دیدگاه مرداک از عشق تاکیدی الهام‌بخش، مشکلات اجتماعی-سیاسی مبهم در رمان او و شواهدی که آگامبن در مورد این موضوعات ارائه کرده است را بررسی می‌کند. از دیدگاه آگامبن، مبارزه بی‌پایان انسان برای رهایی از زندگی آشفته‌ای که در آن به طور عاطفی درگیر است و به دام افتاده پتانسیل‌های موجود را به عنوان مفری برای رهایی از بن‌بست‌های غالب دوره می‌آزماید تا در نهایت به نوعی از زندگی دست یابد که زندگی شاد نامیده می‌شود.

واژگان کلیدی: عشق آگامبنی؛ هر آنچه هستی؛ هومو ساکر؛ زندگی برهنه؛ شکل زندگی.

تحلیلی روایت شناختی از بهره‌گیری عاطفی استراتژیک در رمان‌های اصلی وسیکس هاردی

سعید بهنود

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نگار شریف (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهرا بردباری

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

مطالعه حاضر بر فرآیند استراتژیک بهره‌گیری از تاثیرپذیری همدلانه خوانندگان در رمان‌های اصلی وسیکس، نوشته تامس هاردی، تمرکز دارد. دیدگاه تحلیلی این جستار برگرفته از نظریات سوزان کین در روایت‌شناسی عاطفی است و قصد دارد تا استراتژی‌هایی که برای تاثیرگذاری عاطفی در سبک ادبی روایت‌های وسیکس به کار رفته است را آشکار نماید. از نظر روش‌شناسی، این تحقیق مبتنی بر ارزیابی کیفی ویژگی‌های عاطفی موجود در بازنمایی‌های واقع‌گرایانه هاردی، از طریق تحلیل گفتمانی می‌باشد. رویکرد پژوهشی، متأثر از آخرین نظریه‌های ذهن در علوم شناختی است، که بر دریافت‌های عاطفی به عنوان مهمترین عامل تعیین‌کننده در گشتالت تفاسیر تاکید دارند. دنیای نیمه‌واقعی وسیکس از بینشی که در مورد اولویت حساسیت عاطفی بر منطق شناختی دارد، بهره‌گیری می‌نماید. نیت نویسنده در روایت‌های وسیکس، اشاعه عطوفت انسانی از طریق توسل به کاربرد ادبی فرضیه هم‌احساسی-نوع دوستی است. آرمان هاردی برای بهبودگرایی و تهذیب اخلاقی خوانندگان به واسطه ظرفیت‌های عاطفی آنان، باعث اشباع تاثیرگرایی در ترکیب روایت‌ها می‌گردد. کنترل ماهرانه کانون روایی در رمان‌های اصلی وسیکس، هاردی را قادر می‌سازد تا هم‌ذات‌پنداری همدلانه خوانندگان با قهرمانان داستان‌ها را در بافتاری فلسفی حفظ نماید. علاوه بر این، سبک شخصیت‌پردازی علامت‌دار، تاثیرات احساسی مورد نظر برای روحيات و ویژگی‌های اخلاقی قهرمانان را نهادینه می‌کند و پاسخ‌های عاطفی متناظر با این تاثیرات را از خوانندگان مطالبه می‌نماید.

واژگان کلیدی: روایت‌شناسی عاطفی؛ هم‌ذات‌پنداری همدلانه؛ حساسیت عاطفی؛ رمان‌های وسیکس؛ تامس هاردی؛ فرضیه هم‌احساسی-نوع دوستی.

آن سوی اربابه‌های افسرده: تأملی در نیستی در مجموعه شعر هارمونیوم اثر والاس استیونز

الیاس نقی پور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
علی تقی‌زاده (نویسنده مسئول)

استادیار مطالعات آمریکا، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پدرام لعل‌بخش

استادیار ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده:

هدف مقاله حاضر این است که در پرتو نظریه‌های متأخر مارتین هایدگر، فیلسوف تأثیرگذار آلمانی، به بررسی انتقادی نخستین مجموعه شعر والاس استیونز با عنوان *هارمونیوم* بپردازد. تأکید این مقاله، به‌ویژه بر ردیابی و تحلیل مفاهیم ابداعی هایدگر از جمله «دازاین» و «منفیت» در شعر استیونز خواهد بود. هایدگر متأخر، انسان یا همان «دازاین» را به مثابه حوزه‌ای در نظر می‌گیرد که در آن چهار عنصر تقویمی، یعنی زمین، آسمان، خدایان، و میرایان، در هم تنیده می‌شوند تا انسان، به عنوان موجودی اصیل و آینده‌محور، که به هستی و مرگ خود اهتمام دارد، بتواند خود را به ظهور برساند. مجموعه شعر «هارمونیوم» شامل اشعاری می‌باشد که به بررسی تأثیر مرگ و تناهی بر حیات انسان می‌پردازند. استیونز، شاعر شهیر قرن بیست آمریکا، در این مجموعه شعر تلاش می‌کند قهرمانانی را خلق کند که اصالتاً تأثیر نیستی‌گرایی مرگ و تناهی را بر هستی خود می‌پذیرند تا بتوانند خود را از قیود اجتماعی، فلسفی، و ادبی رها کنند. این امر از این‌رو اهمیت دارد که استیونز تلاش می‌کند تا ظرفیت خلاقانه شعری بالقوه‌ای را ایجاد کند که نه تنها در تقابل با شاعران رمانتیک باشد که عقیده داشتند تنها هدف شعر اعاده معصومیت از دست‌رفته است، بلکه آزادانه پذیرای تناهی وجودی باشد که تنها راه برون‌رفت از آشکال گوناگون تفکر متافیزیکی کلام‌محور است. از این‌رو، این پژوهش تلاش می‌کند تا نشان دهد که والاس استیونز چگونه در «هارمونیوم» می‌کوشد تا با استفاده از خلاقیت شاعرانه خود عدم قطعیت اصلی را بازآفرینی کند که محصول تفکر در فضای مرتبط با نیستی و عدم است.

واژگان کلیدی: رمانتیسم؛ مرگ؛ منفیت؛ چهارگانگی؛ خلاقیت.

تروما و درمان در رمان چیزهای تیز نوشته گیلین فلین بر اساس نظریه‌ی جودیت هرمان

مهرگان رضائیان

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران
بهزاد پورقرب (نویسندهٔ مسئول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه مازندران، گرگان، ایران

عبدالباقی رضایی تالار پشته

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

چکیده

به عنوان یک رویداد مهم در زندگی یک فرد، ترومای دوران کودکی علاوه بر شکل دهی به ادراک و هویت فرد، پیامدهای خود را از طریق علائم اختلال استرس پس از سانحه نشان می‌دهد. سه شخصیت اصلی در «چیزهای تیز» اثر گیلین فلین از چندین دسته آسیب رنج می‌برند، از جمله آزار عاطفی نسلی توسط زنان آزارگر. بنابراین، این پژوهش امکان مطالعه روانکاوانه رمان متمرکز بر ترومای دوران کودکی را در سه نسل، با کمک مطالعات تروما که توسط جودیت هرمان شرح داده شده است، فراهم می‌کند. هدف این مطالعه به کار بردن نظریه ترومای او در کار فلین است تا دوران کودکی آسیب‌زای شخصیت اصلی آن، کامیل پریکر، و دو شخصیت دیگر را آشکار کند. این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه پریکر با خانواده‌اش تحت تاثیر خاطرات غفلت عاطفی و آسیب‌رسانی به خود است و اینکه هویت و روابط او چگونه تحت تاثیر تروما قرار گرفته است. بررسی رویدادهای آسیب‌زا اولیه می‌تواند به درک رفتار شخصیت‌ها کمک کند، زیرا این آسیب است که بر تعاملات اجتماعی و واکنش آنها به شرایط تأثیر می‌گذارد. این تحقیق نشان می‌دهد که آسیب‌های دوران کودکی، به‌ویژه آزار عاطفی ناشی از زنان آزارگر در طول نسل‌ها، اثرات پایداری بر سلامت روان مانند تغییر در شخصیت و از دست دادن هویت دارد.

واژگان کلیدی: اختلال استرس پس از سانحه؛ خودآزاری؛ کودکی آسیب‌زا؛ آسیب نسلی؛ غفلت عاطفی؛ چیزهای تیز.

انسان‌نمای مجازی: سوپژکتیویته دورگه در رمان پیرامون اثر ویلیام گیبسون

نجف علی بابا زاده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

راضیه اسلامی (نویسنده مسوؤل)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایوب دبیری

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

چکیده

تحقیق پیش رو در نظر دارد / انسان‌وارگی را که از طریق فرایند عملکردهای مجازی خلق شده است بررسی نماید. در این بررسی فرضیه‌های سایبورگی، از جمله فاعلیت مجازی، شتاب‌شناسی، مادی‌گرایی تجسم‌یافته، زیباشناسی ناپدیداری نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. ویلیام گیبسون در رمان پیرامون (۲۰۱۴) فاعلیت چندگانگی و همچنین چالش‌های موجودات مجازی را با پیگیری زندگی فلین به تصویر می‌کشد. انسان سایبورگی از چند جنبه شبیه انسان است، در عین حال که هیچ یک از خصوصیات انسان معمولی (بدن، فاعلیت و قدرت) را ندارد. قابل ذکر است تکنولوژی مفهوم خود یا تجسم خود را توسعه می‌بخشد. این مطالعه، فاعلیت مجازی را بررسی می‌کند تا مفاهیم خود/فاعلیت را از دیگری به واسطه ایجاد دیگردیگران متمایز نماید که حاصل و نتیجه متوذهای تکنولوژی در فرایند غیرانسان‌سازی فاعل شدن است. شخصیت دورگه کپی از اصل است، زیرا اصیل بودنش از بین رفته و وضعیت مستقل وی قابلیت تغییرپذیری داشته است، همچنین واقعیت‌های مجازی تصاویرشبه مانند در محیط‌های تجسم‌یافته و کلونی انسانی را ایجاد می‌کند. این مطالعه، انسان‌وارگی را نشان می‌دهد که ترکیبی از انسان/ماشین و انسان/حیوان است. اگرچه بسیاری از نویسندگان در مورد انسان‌وارگی مطالبی نوشته‌اند، اما تحقیق پیش رو ماورای ماهیت انسانی انسان‌وارگی، یا شخصیت، یا هستی و یا هویت ناقص انسان‌وارگی را به طوری که با انسان‌های دیگر ارتباط برقرار نماید - از دیدگاه تلفیقی دانا هاروی، پایول واریلو و رزی بریدیتی - بررسی می‌کند. مقاله پیش رو مفهوم فاعل بودن در عالم مجازی را به تصویر می‌کشد و پیشرفت/انسان‌وارگی را در قالب شبیه‌سازی انسانی تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: زیباشناسی ناپدیداری؛ صیوروت؛ دورگی مجازی؛ مادی‌گرایی تجسم‌یافته؛ انسان‌وارگی؛ سوپژکتیویته مجازی.

نگاهی دوباره به رویکرد تحلیل گفتمان فوکویی: نظارت و فردیت در تست اسید کول اید/الکتریکی اثر تام ولف

ایرج سلیمان جهان (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه زبان‌های خارجی و دروس عمومی، دانشکده مهندسی
صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

هیوا ویسی

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

این مطالعه در تلاش است که رمان تست اسید کول اید/الکتریکی اثر تام ولف را در سایه ی ایده های میشل فوکو، به ویژه مفاهیم عادی سازی، نهادها و نظارت که به روابط میان قدرت، نهادها و ادبیات می پردازند را بررسی کند. این تحلیل نشان می‌دهد که در شرایط دهه ۱۹۶۰، دولت آمریکا از تمام نهادهایی که ادعا میشد آزادی افراد را در مقابل نیروهای محدودگر تضمین می‌کنند، استفاده کرد. به منظور ایجاد جامعه‌ای عادی، نرمال و همگن، دولت از پلیس، قانون، زندان و نهادهای متعدد دیگری که دارای همپوشانی هستند به کار می‌گیرد تا مدارهایی از نهادهایی ایجاد کنند که کاهش سطح انسان‌ها را به افرادی ساده لوح تضمین می‌کند، انسازایی که مطیع، رام و سربراه و آماده‌اند تا در جامعه‌ی مشخص شده جای گیرند. تم اصلی رمان، همگون‌سازی انسانها به خواست قدرت حاکم است که با اعمال زور به این تغییرات هدفدار دست می‌یابند. در آغاز، رمان افراد آزادی را به تصویر می‌کشد که هویت آنها به ناهمگن بودن آنها بستگی دارد، اما در ادامه با شکسته شدن مقاومت و حرکتشان و در نهایت با فرهنگ پذیریشان از قدرت حاکم به پایان می‌رسد؛ در پایان، قهرمان داستان نیز در جایگاه یک انسان معمولی در حال گذراندن حکم کار اجباری دیده می‌شود که از سوی دولت و قضاات مستحیل‌کننده‌اش به آن محکوم شده است. آزادی به وضوح به مثابه‌ی سرابی ظاهر می‌شود تا حقیقت، زیرا به نظر می‌رسد هیچ جهان خارجی وجود ندارد که از طریق آن افراد قادر باشند بیرون از سلطه‌ی دستگاه‌های کنترل‌گر زندگی کنند.

واژگان کلیدی: ناهمگنی؛ فردیت؛ نهادها؛ میشل فوکو؛ همگون‌سازی؛ نظارت.

خشونت خانگی در رمان *ویولتا* اثر ایزابل آئنده

ویدا رحیمی نژاد (نویسنده مسئول)

استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ایران

حیدر کاظم جلیل الموسوی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

خانواده اصطلاحی است که خشونت شریک صمیمی را در هر کجا و به هر شکلی که اتفاق می‌افتد، در بر می‌گیرد. گالتونگ خشونت را به سه نوع خشونت مستقیم، ساختاری و فرهنگی طبقه بندی می‌کند. هدف این مقاله تحلیل رمان آئنده تحت عنوان *ویولتا* (۲۰۲۲) بر اساس مقوله خشونت گالتونگ و نظریه فمینیستی سیمئون دوبووار است. این یک مطالعه کیفی مبتنی بر کتابخانه است. آئنده شخصیت‌های زنی را ارائه می‌کند که قربانی خشونت خانگی توسط شوهران، شریک زندگی‌شان و حتی پدرانشان شده‌اند. محققان انواع مختلفی از خشونت خانگی علیه زنان و کودکان را در این رمان به دلیل دیدگاه مردسالارانه، فرهنگ، هنجارها و آداب و رسوم مشاهده کردند. خشونت ساختاری نقش خشونت فرهنگی را شفاف می‌کند که خشونت ساختاری را قانونی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای از بین بردن خشونت خانگی علیه زنان، بایستی فرهنگ جدیدی که همراه با عدم خشونت و درک متقابل نسبت به زنان است جایگزین خشونت فرهنگی ناشی از نظام مردسالار گردد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی؛ خشونت مستقیم؛ خشونت ساختاری؛ خشونت فرهنگی.

واکاوی موقعیت زن در متون عرفانی اسلامی-ایرانی (با تکیه بر آثار عطار و رومی)

نجم‌الدین جبّاری

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

برخلاف کوشش‌هایی که به طور سنتی شارحان آثار عرفانی برای تحکیم نگرش متعصبانه به عرفان و کتمان کاستی‌های معرفت‌شناختی آن ارائه می‌دهند، این آثار مانند هر سیستم دانش دیگری معایب خود را دارند. یکی از آنها - که در استمرار جهان‌بینی مردسالاری و خاستگاه میتزایی عرفان ایرانی-اسلامی رخ می‌نماید- طبقه‌بندی «زن» است که با رویکردی جزم‌اندیشانه و جنسیتی بررسی شده است. در سنت عرفانی با وجود تمجیدهایی که اغلب در آثار عرفانی از زن می‌شود، زن نماد شهوت نفسانی دانسته می‌شود و عشق به او مجازی و شهوانی است. متون عرفانی در چنین مواردی دیدگاه‌های خود را آشکار می‌کنند و بدین ترتیب، برخلاف کوشش‌های هواداران متعصب، امکان تحلیل‌های ویرانگر را فراهم می‌کنند. این جستار با بیان تناقضاتی که در آثار دو تن از مشهورترین شاعران عارف، عطار و مولوی، در خصوص زن وجود دارد، عملاً دیدگاه مردسالارانه آنان را با رویکردی ساختارشکنانه (با بهره‌بردن از نشانه‌های متنی) نشان می‌دهد. در نتیجه‌آنگونه که پژوهشگران آثار عرفانی اغلب کوشیده‌اند تا شاعران را از دیدگاه مردشاهی یا نگرش جنسیتی عرفان مبرا کنند، اما عارفان عملاً خود را لو می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی-ایرانی؛ متون عرفانی؛ زنان؛ عطار؛ رومی.

نمایاندن وظیفه به عنوان هدف فریبکاری در رمان‌های ساعت‌های استخوان و غول مدفون

حمیده وصالی فلاح

دانشجوی رشته زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات
انگلیسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رویا یعقوبی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

علم اخلاق در دئونتولوژی بر رابطه میان وظیفه و اخلاقی بودن عملکرد انسان تاکید دارد. با این حال، میچل و ایشیگورو شکل متفاوتی از وظیفه را طراحی می‌کنند که با تئوری دئونتولوژیک در تضاد است و نشان می‌دهد که انجام وظیفه تنها در راستای نفع فردی است. میچل در ساعت‌های استخوان بیان می‌کند که تنها وظیفه فرد در زندگی حفظ «بقا» است، صرف نظر از اینکه چه اتفاقی ممکن است برای دیگران بیفتد، اما ایشیگورو در غول مدفون ادعا می‌کند که ناتوانی در انجام وظیفه‌ای که برای دیگران سختی ایجاد کند، منجر به سقوط می‌شود. علیرغم تفاوت‌ها، هر دو نویسنده بر این باور هستند که انجام هر وظیفه تاثیرگرفته از فریب و بازیچه قرار دادن دیگران است. مقاله حاضر به بررسی مفهوم وظیفه در ساعت‌های استخوان نوشته دیوید میچل و غول مدفون اثر کازوئو ایشیگورو پرداخته و نظریه عملگرای پیر بوردیو چارچوب مطالعه را ارائه می‌دهد. بوردیو معتقد است که انجام وظیفه به دنبال یک استراتژی اجتماعی برای به حداکثر رساندن سود است، بنابراین به راحتی می‌تواند دستکاری شود. پژوهش در نهایت به این نتیجه می‌رسد که انجام وظیفه در این رمان‌ها موضوع فریب است که از خود محوری شخصیت‌ها نشأت می‌گیرد. علاوه بر این، پژوهش در تعریف عادتواره کاوشی دوباره دارد تا روشن کند که عادتواره با انتقالی مواجه است که درگیر فریب و بازیچه قرار دادن دیگران است.

واژگان کلیدی: بوردیو؛ فریب؛ دئونتولوژی؛ عادتواره؛ کانت؛ نفع شخصی.

تجلی نظام اخلاقی ارتباط گرا در مبانی فلسفه‌ی اخلاق پسا پسامدرن: نگرشی بر رمان‌های این کتاب زندگی شما را نجات خواهد داد اثر امی ام. هوم و بنی آدم اثر فیلیپ راث

فاطمه اسمعیلی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات
انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
نرگس منتخبی بخت‌ور (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

فرید پروانه

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

چکیده

در عصر پساپسامدرن، افول فراگیرنده‌ای در مفهوم اخلاقیات و اجتماع رخ داد که منجر به تنزل مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و زندگی بشری شد. حال آنکه جهش اخلاقی اخیر در نقد ادبی و داستان بیانگر رویکرد نوینی به اخلاقیات است که البته ماهیت و کم و کیف آن نیازمند مطالعات بیشتر است. از این رو، مقاله حاضر بر آن است که علاوه بر تصریح مفاهیم اخلاقی پساپسامدرن، به تبیین نقش بسزایی که اخلاق ارتباط گرا در نظام اخلاقی پساپسامدرن ایفا می‌کند، بپردازد. بنابراین، نویسندگان با تکیه بر نظریه‌های اخلاق ارتباطی یورگن هابرماس که در مهم‌ترین اثر او نظریه کنش/ارتباطی (۱۹۸۱) مطرح شده است، دو رمان معاصر آمریکایی *این کتاب زندگی شما را نجات خواهد داد* (۲۰۰۶) اثر امی ام. هوم و *بنی آدم* (۲۰۰۶) اثر فیلیپ راث را بررسی می‌نمایند که هر دو از آثار بی‌بدیل و قدرتمند نسل خود به شمار می‌آیند. اگرچه در ابتدا شخصیت‌های اصلی این داستان‌ها در بستر محیطی پسامدرن که مملو از بیگانگی‌های اجتماعی، نفس‌گرایی و کنش‌های ابزاری است قرار داده شده‌اند، اما در خلال داستان متضمن یک بینش ناگهانی شده که تجلی کنش‌های ارتباطی در روابط فردی و اجتماعی آنها را در پی دارد و منجر به بهبود آسیب‌های روانی و خودسازی آنها می‌شود. در آخر، شخصیت‌های اصلی داستان با اولویت قراردادن خوشبختی و رفاه دیگران، یکدلی و درک جامعی از شرایط زندگی اطرافیان، به خوشبختی و رضایت فردی می‌رسند. لازم به ذکر است در این طرحواره، برتری زندگی اجتماعی و نقش کنش‌های ارتباطی بین انسان‌ها نسبت به زندگی فردی بیش از پیش آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: فلسفه اخلاق ارتباط گرا؛ جهش اخلاقی؛ داستان پساپسامدرن؛ نظریه‌ی کنش ارتباطی؛ یورگن هابرماس؛ کنش ابزاری.

نظام خود انگیزشی در میان زبان آموزان زبان کردی به عنوان یک زبان موروثی: مطالعه‌ای تلفیقی

محمد علی اکبری

استاد تمام رشته آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

گلچین امانی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

چکیده

افزایش مداوم علاقه به یادگیری زبان‌های موروثی در سال‌های اخیر ما را به بررسی عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه‌ی آن و همچنین انگیزه‌ی زبان‌آموزان برای یادگیری زبان کردی به عنوان زبان موروثی ترغیب کرد. سیستم خودهای انگیزشی زبان دوم L2MSS مدلی است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل به معرفی سیستمی از خودها که به عنوان انگیزه یادگیری زبان برای هر زبان آموزی عمل می‌کند، می‌پردازد. مدل مذکور خود دارای سه زیر مجموعه‌ی خود ایده آل، خود باید و شدت انگیزه است. در این مطالعه از روش تلفیقی کیفی-کمی استفاده شده است، بطوریکه ابتدا در بخش کیفی با چهار دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات کردی مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته انجام شد و سپس در بخش کمی ۲۱۳ شرکت‌کننده در تکمیل پرسشنامه شرکت کردند. نتایج کیفی نشان داد که یادگیری زبان کردی، فرصتی را برای تحقق خواسته‌ها و آرزوهای فراگیران فراهم می‌کند. همچنین مصاحبه‌شوندگان از تجربه مثبت خود جهت یادگیری در کلاس درس و افزایش علاقه به درگیر شدن بیشتر در فرایند یادگیری در آینده اشاره کردند. به علاوه، نتایج کمی نشان داد که شرکت‌کنندگان، زبان را برای دستیابی به خود ایده آل دنبال می‌کنند. در ادامه، با بررسی نقش جنسیت در میزان انگیزه زبان‌آموزان مشخص شد که نیروی انگیزشی در یادگیری زبان کردی در مردان قوی‌تر از زنان است که می‌تواند به علت قوی‌تر بودن حس هویت در میان مردان باشد.

واژگان کلیدی: زبان موروثی؛ خود ایده آل؛ خود باید؛ شدت انگیزه؛ هویت؛ زبان کردی.